

بناگاه

سال هفتم • شماره ۵۹

۹ صفحه • مرداد ماه ۱۴۰۱

ماهنامه سیاسی

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

ما ملت امام حسینیم (ع)

ملت امام حسین(ع) ملتی پر شور و همیشه در صحنه است. نمونه آن را در سیلی که در استان‌های مختلف جاری شد و زندگی بسیاری از مردم را درهم پیچید، شاهد بودیم. همدلی و همراهی مردم مؤمن و ولایتمدار ایران با سیل زدگان، اندکی از درد آنان را تسکین داد. چنین ملتی سرسپرده اوامر رهبر خویش هستند و در میدان جهاد تبیین نیز همانند سایر عرصه‌ها او را تنها نگذاشتند. هر چند که در این جهاد حضور نخبگان، صاحب‌نظران و متخصصان ضروری است اما عموم مردم صحنه را برای جهاد خالی نکردند.

ملت امام حسین(ع) در نبرد حق و باطل با جهاد تبیین جبهه حق را به همگان می‌شناساند. چنین ملتی در برابر ظلم به مظلومان جهان سکوت نمی‌کنند. در زمانی که مدعیان حقوق بشر در دفاع از مردم فلسطین سکوت می‌کنند و جنایات رژیم پلیس صهیونیستی را حق دفاع از خود می‌دانند، ملت امام حسین(ع) این سکوت را محکوم می‌کند. هوای گرم مرداد ماه با حرارت پر شرور سیاسی مقارن شده است.

چه حرارت حسینی و چه مناسبات سیاسی از شهادت حسن آیت تا بازگشت آزادگان به میهن و همچنین کودتای ۲۸ مرداد، مناسباتی که مرداد را از تک و تا نینداخته است. این شماره، دین کوچکی به تمام شهدای این ماه است. از حسن آیت تا تمام شهدای گمنامی که در اسارت حزب بعث شهید شده‌اند.

رقیه خادم‌نیا



حقوق بشر؛
منهای بشر
«ص ۵»

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به

شهید حسن آیت، آیت انقلاب ایران که اگر روز ۱۴ مرداد سال ۱۳۶۰ ترور نمی‌شد و مدارکی که قصد ارائه آن‌ها را داشت به مجلس می‌رسید، شاید وقایع سال ۱۳۸۸ در تاریخچه انقلاب ثبت نمی‌شد. همچنین همه آزادگانی که سفیر پرعزت ایران در زندان‌های مخوف عراق بودند و در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ اولین گروه آنها به میهن بازگشت؛ به ویژه حجت‌الاسلام ترابی‌فرد که رهبر معنوی اسرای ایرانی بودند

توجه دانی که چه‌ها کرد فراق با من؟!

قالب ۱؛ ۲۶ مرداد سالروز بازگشت آزادگان به میهن



سرمقاله: یک عکس و در خود فرو رفتن!

● هدیه گیاه تازه_ مدیر مسئول نشریه

انتخاب سلسله موضوعات مناسب برای هر شماره از نشریه کار بسیار دشواری است. مرز باریک پایین آمدن شأنیت بی‌تعارف تا سر حد یک تقویم ماهانه و چشم پوشی از تاریخ پر فراز و فرود میهن اسلامی ما بسیار باریک به نظر می‌رسد. نه می‌توان تنها بر وقایع حال تکیه داشت چرا که این کار را روزنامه‌ها بهتر انجام می‌دهند و نه فقط می‌توان تکیه بر روزهای گذشته کرد که این نیز حالتی اشباع به وجود خواهد آورد.

اگر از تحلیل مباحث روز چشم پوشی کنیم به تکرار تاریخ دچار می‌شویم و اگر از ظلم رفته در صفحات تاریخ ایران نگوییم، ستمی دوباره به نیاکان خود روا داشتیم. پس بر آن شدیم بر هر دو نیم‌نگاهی بیندازیم، تا نگاه کاملی از حال و گذشته برای آینده رقم بزنیم. چگونه یاد و خاطره فداکاری مردم غیور این سرزمین را از یاد ببریم و چگونه بر رسالت دانشجو پا فشاری نکنیم؟ پس از اضافه کردن عنوان تقدیم که به نوعی ادای دین ما به افراد گمنام اما مؤثر و تیزبین بود که بی‌ربط به مناسباتی از ماهنامه هم نبودند و نتوانسته بودیم مفصل از آن‌ها بگوییم، صفحه دیگری نیز از این شماره به بی‌تعارف اضافه کردیم؛ صفحه یک عکس با تنها یک جمله روی آن عکسی که کمتر دیده شده اما هر کس آن را ببیند بی‌شک با تمام احساس خود در فضای آن تنفس خواهد کرد.

برجام یا سر آغازی بر یک فرجام

● ندا دشت‌بزرگی - کارشناس حقوق

تمام تلاش خود را برای در حاشیه کشیدن ایشان انجام می‌دهد و تدابیر ظالمانه او علاوه بر ما شامل همه مردم دنیا بوده و هر جایی از تاریخ کشور ما نقشی داشته جز بلا برای ما روانه نکرده است تا آنجا که رهبر انقلاب می‌فرماید: «آمریکا اگر می‌توانست بر ملت ما آب آشامیدنی را تحریم می‌کرد.» آیا برقراری ارتباط و ایجاد توافق برجام، مصداق دادن دست دوستی با یزید زمان نیست؟

مگر ما دنباله رو امامی نیستیم که فرمود: «کل یوم عاشورا کل الارض کربلا، که هر روز عاشورا است و همه جهان کربلا؟! اگر به این جمله دقت کنیم، متوجه می‌شویم در هر مکانی و در هر زمانی یک حسین است و یک یزید و شاید یزیدها، تکلیف حسین زمان که روشن است ولی می‌ماند تشخیص یزید که در هر زمانی مگری در آستین دارد و برای عباس‌های خود یک امان نامه به دست شمر می‌دهد. این امان نامه گاهی با بهانه خویشتاوندی، گاهی به بهانه هدف مشترک و گاهی نیز به بهانه برداشتن موانع برای پیشرفت خود و خانواده تا عباس آن را امضا کند.

اگر عباس امان نامه را امضا کرد، در علقمه آن دست و ید بسیط عباس بار دیگر قطع از امید بغل مشک می‌ماند و یا نه پر از امید، مشک بر بغل به سمت خیمه‌ها برمی‌گردد؟

در حال طراحی سناریو اذیت و رعب‌انگیزی و خفقان به ملت ایران بودند. اصلا بیاییم و بگوییم گذشته‌ها گذشته. به قول گفتنی روباه توبه کرده و دست از اذیت برداشته است؛ دیگر حيله نمی‌بندد و مثل بچه آدم، خواستار از سرگیری رابطه‌ای احسن است و منافع ملت را به جای اذیت‌های گذشته لحاظ کرده است. اگر اینطور بود، شواهد چیز دیگری را نشان می‌داد. همین غرب با یک مداحی که نه با یک جمله از آن الله اکبر خامنه‌ای رهبر چنان سوخته و برشته می‌شوند که تمام دست نشاندگان خود را وادار می‌کنند که این مداحی و موضوع آن را محو کنند. در حالی که مسئله آنها، مداح و مداحی نیست بلکه موضوع آن است. مخصوصا بیت ترجیع آن و از همه مهم‌تر کلمه آخر آن، خامنه‌ای رهبر است که در نوحه به کار رفته است. آنها به خوبی می‌دانند در نظام اسلامی ما این کلمه فقط یک کلمه نیست بلکه قله است پس قله را نشانه گرفته‌اند. آیا با این حال با طرفی که اصلی‌ترین و اساسی‌ترین اکسیر ساخت این حکومت را یعنی رهبری نادیده انگاشته و سعی در برطرف کردن و به حاشیه بردن آن دارد، می‌توان گفتگو کرد و مطمئن بود به قول خود و مصوبات این توافق عمل کنند؟ در زمانه ما که رهبر و پیشوا، آیت الله خامنه‌ای است و منویات ایشان جز ظلم ستیزی چیز دیگری نیست و طرف مقابل،

بدیهی است که در دورانی زیست می‌کنیم که اندیشمندان حوزه سیاست ارتباط کشورها با یکدیگر را واجب و ضروری می‌دانند و دولتمردان ارتباط هرچه گسترده‌تر با افراد و دولتمردان خارج از مرزهای جغرافیایی تحت حکمرانی خود را جزء وظایف قابل اهتمام خود می‌دانند اما در همان آغاز یک پرسش ذهن انسان را به خود جلب می‌کند. آیا با هرکشوری و در هر شرایطی و در هر زمان و موقعیتی و با هر هزینه‌ای این رابطه شکل بگیرد؟

این رابطه مثل هر ارتباط دیگری دارای گزاره‌های به خصوص است. یکی از این گزاره‌ها که در سال‌های اخیر بسیار استفاده می‌شود و به اصلاح برسر زبان‌ها افتاده است، برجام می‌باشد. برجام، نام توافقی بود که تا پای اجرا هم رفت. حتی برای آن جشن‌ها گرفته شد. بماند که چه شد و اجرای آن به کجا انجامید. این توافق نام آشنا که تا مدت‌ها از آن خبری نبود دوباره نرفته در خاک، سر از خاک بیرون آورده و اظهار وجود می‌کند. دیگر بار، صحبت از توافق دوباره یا حداقل مذاکره بر سر توافق یا قبول گرفتن رضایت طرف دیگر مذاکره کننده به میان آورده شد. اگر ما این مطلب را در نظر بگیریم که برای شکل‌گیری یک رابطه دیپلماسی و شروع یک مذاکره در سطح بین‌الملل دو طرف مذاکره باید وفاق داشته باشند، دارای یک یا دو قلم ارزش متناسب باشند و بر سر چند موضوع دارای روابط دوستانه یا حداقل نداشتن روابط خصمانه باشند تا که زمانی که مذاکرات و گفتگوهای دیپلماسی به نتیجه رسید و توافق صورت گرفت، هر دو طرف در اجرای مفاد این توافق اطمینان کامل داشته باشند. در حالی که در نمونه عینی این توافق (برجام) می‌بینیم که دو طرف شرکت کننده نه تنها روابط دوستانه ندارند بلکه دارای روابط خصمانه با ملت و حتی گاهی فراتر از دولت حاضر می‌باشند؛ حتی آن زمانی که دولت ایران به سلیقه آنها شکل می‌گرفت با همان دولت،



کربلا؛ آینه تمام عیار تبیین

یادداشتی درباره‌ی جهان امروز و رسالت تبیینی خبرنگار

● راضیه جلالی_ کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

جهاد تبیین تنها راه مقابله با دشمنان بوده و خبرنگاران به عنوان رسانه انقلابی موظف به بازگو کردن حقایق و پیشرفت های کشور هستند.

با توجه به اهمیت موضوع جلوگیری از هر گونه سوءبرداشت‌ها و نظراتی خلاف واقع که از عدم تبیین صحیح اتفاقات نشأت می‌گیرد، موضوع جهاد تبیین بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. هر یک از اهالی فرهنگ و هنر، دانشگاه، رسانه، اقتصاد، سیاست و... نیز که وظیفه خدمت به مردم را دارند، باید با این وظایف آشنا شوند و به تبیین صحیح حوزه خود مشغول شوند.

جهاد امروز، فقط حضور در مناطق جنگی نیست بلکه تبیین همه جانبه واقعیت‌ها با ابزارهای به روز، مصداق واقعی جهاد تبیین است.

رسانه‌ها به عنوان نماینده افکار عمومی از یک طرف و پل ارتباط بین مردم و حاکمیت از طرف دیگر نقش مهمی در بحث تبیین دارند. رسالت امروز خبرنگاران باید ارائه تصویری حقیقی از انقلاب با هدف ایجاد روحیه خودباوری و امید در جامعه باشد.

بی بدیل است. بدون جهاد تبیین، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند. تبیینی که در حال حاضر مطرح است، بیان صحیح در رساندن پیام به مخاطبان محسوب می‌شود که در این راستا همه گروه‌های رسانه باید وارد میدان شوند و تلاش کنند محتوای تولید شده را با واقعیت به دست مردم برسانند. دشمن نه تنها با ابزارهای جنگ نرم و سخت، حاکمیت خود را بر افکار ملت‌ها به وسیله رسانه تثبیت می‌کند بلکه در عرصه جنگ شناختی و معرفتی هم آرام و بی‌صدا وارد می‌شود و اگر محور اصلی این جنگ که مسئله تبیین است خوب شناسایی نشود، دشمن صحنه پراضطرابی را در میان مردم ترسیم خواهد کرد. مبارزه امام حسین (ع) به وسیله تبیین بود تا معارف دین نشر و تبلیغ عقاید درست و صحیح به مردم ابلاغ شود. در زمانه ما نیز تبیین و شرع‌عقاید و معارف، مقدمه محکم نگه داشتن پرچم برافراشته توحید در حکومت اسلامی ایران است و اگر به جهاد تبیین نپردازیم نه فقط به مردم ضربه مهلکی وارد شده بلکه اساس حکومت اسلامی نیز متزلزل می‌شود.

هفدهم مرداد، روز بزرگداشت خبرنگار و قدردانی از جهادگران عرصه تبیین است. امسال روز خبرنگار با عاشورا هم‌زمان شد و این اتفاق حامل پیام مهمی است. تقارن روز خبرنگار و عاشورای حسینی وظیفه خبرنگاران را به طور اساسی مشخص کرده است. جهاد تبیین، مهم‌ترین و اصلی‌ترین رسالتی است که امروز هر خبرنگاری می‌تواند به خوبی در آن نقش‌آفرینی کند. جهاد تبیین در جایی معنا پیدا می‌کند که جبهه حق علیه باطل به درستی تشخیص داده شود. روشنگری حضرت زینب (س) و ورود ایشان به عرصه جهاد تبیین باعث شد که بعد از گذشت سال‌ها از واقعه کربلا، همچنان برای امام حسین (ع) عزاداری شود و آتش شور عاشورا در دل ها روشن بماند. کربلا در کربلا می‌ماند؛ اگر زینب نبود، امروزه نیز رسالت خبرنگاران رسالت زینب گونه است و الگوی خبرنگاران باید حضرت زینب (س) باشد. خبرنگاران، رکن اصلی رسانه‌ها و افسران جنگ نرم هستند. امروزه نقش فعالان حوزه رسانه در جهاد تبیین و مقابله با جریان تحریف‌نقشی



حقوق بشر؛ منهای بشر

حقوق بشر و سکوت مدعیان حقوق بشر در پی حملات رژیم صهیونیستی به فلسطین اشغالی

● فاطمه زمانی_ کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی



غزه امروز ایستاده در غباری است که مدعیان حقوق بشر آتش معرکه آن را روشن کرده‌اند. همان‌هایی که دم از حقوق برابرانسان‌ها می‌زنند و در خیابان یک سیاه‌پوست را زیر چکمه می‌کشند. حقوق بشر همواره در طول تاریخ وسیله‌ای برای کشورهای استعمارگر و صاحب قدرت برای حربه با کشورهای ضعیف و مظلوم جهان بوده است.

در تعریف حقوق بشر آمده است که: حقوق بشر ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین حقوقی است که هر فرد فارغ از نژاد و ملیتی به طور ذاتی و فطری به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. مثلاً شما حق دارید خدمات درمانی دریافت کنید، درس بخوانید. شما حق دارید در حد سیر شدن غذا بخورید، شما حق دارید در یک کشور زندگی کنید و تابعیت آنجا را داشته باشید، فقط بخاطر اینکه انسان هستید. حالا تصور کنید یک نفر بیاید با مکر و دروغ خانه شما را غصب کند و تمام زندگی شما را تصاحب کند. اصلاً نگذارد یک آب خوش از گلوی شما پایین رود. خانه را قتلگاه فرزندان شما کند. جلوی چشم شما آنها را به خاک و خون بکشد و از همه بدتر این کار را حق مسلم و ارث پدری خود بداند. آن را فریاد بزند و به آن افتخار کند. اسم این کار را چه می‌گذارید؟! غیر از این است که ظلم است، جنایت است. این دقیقاً همان کاری است که اسرائیل با فلسطین اشغالی کرده است.

کو؟! کجاست؟!

بشری که این کار را ظلم نداند. کودکشی را محکوم نکند و از حقوق این مردم مظلوم حمایت کند. اصلاً قضیه، فلسطین و غزه نیست. یک نگاه به تمام کشورهای مظلوم دنیا بکنید. حقوق بشر برای آنها چه کرده است؟ غیر از این است که اصلاً فلسفه به وجود آمدن سازمان حقوق بشر در قرن بیستم بعد از جنگ جهانی دوم و آن کشتار پنجاه یا شصت میلیونی، آن بوده که از این ظلم‌های بزرگ جلوگیری شود؟ آیا تاکنون جز سکوت کاری کرده

مقاومت است و تا پیروزی راهی ندارد. به گفته سید ما کمتر از بیست سال دیگر اسرائیل وجود نخواهد داشت و این وعده الهی است که پیروزی از آن مستضعفین است. البته باید گفت: هر روز این صدای شلیکی که از نوار غزه می‌شنوید، این فریاد مقاومت، تنها از جوانان فلسطینی نیست. آزادی قدس رؤیای تمام مسلمانان است. شکست یا پیروزی فلسطین یعنی شکست و پیروزی اسلام و این همان حقوق بشر حقیقی است که تا به امروز با تمام توان از فلسطین و تمام مظلومین جهان حمایت کرده و او را تا سر حد مقاومت و پیروزی کشانده است. این اسلام است که ملاک برتری آن چیزی جز تقوا نبوده و برای تمام انسان‌ها کرامت و شرافت قائل است.

اگر بگوییم بند بند اسلام حقوق بشر است، گزاف نگفته‌ایم. حتی به انسان اجازه نمی‌دهد به خود نیز ستم کند؛ چه برسد به اینکه کسی یا دولتی بخواهد به مظلومی ستم کند.

«وَتَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.»

است؟! اصلاً اسم این دم و دستگاه را نمی‌توان حقوق بشر گذاشت مثل دکانی می‌ماند که دکور خیلی قشنگی دارد و از آن شعارهای جذاب شنیده می‌شود ولی از باطن که نگاه کنی انگار عده‌ای دارند آن را هدایت می‌کنند و هر زمان که آنها بخواهند صدای آن در می‌آید. پر از تناقض و تضاد است، خود را نقض می‌کند و بر علیه خود بیانیه می‌دهد. شعار برابری سر می‌دهد ولی انسان‌ها را به یک چشم نگاه نمی‌کند. از آن کاری ساخته نیست.

این بد است. خیلی هم بد است. اصلاً چنین سیاستی نمی‌تواند حامی بشر شود. آخر یک جایی پیدا می‌شود که این مسئله در تضاد با منافع آن قرار بگیرد. اگر بخواهیم خوشبینانه به آن نگاه کنیم، این کار در توان او نیست. این مسئله یک قدرت مافوق می‌خواهد. باید اصولی باشد که انسان‌ها را جدا جدا نبیند. همه را یکی بداند. آنها را از هم تفکیک نکند. کسی را بر کسی برتری نداند. حق دیگری را حق خودش بداند و او را عمیقاً دوست بدارد.

فلسطین امروز با تمام توان در حال

خون ماندگار

عاشورا و راز ماندگاری آن در تاریخ

● معصومه عباس قربانی_ کارشناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی

به راستی هر انقلاب و نهضتی توسط افراد و یارانی به وقوع می‌پیوندد. تحقق نهضت پرصلابت عاشورا، توسط یاران فداکار و با معرفتی رقم خورد که پرداختن به زندگینامه این اصحاب خودش برپاکننده انقلابی دیگر در درون عقل و قلب هر انسان آزاده‌ای است. در قافله یاران حسینی همه جور افرادی یافت می‌شود: پیر، جوان، زن، مرد، کودک، غلام و... با این تنوعی که در میان اصحاب امام حسین علیه‌السلام وجود دارد اما همگی در یک ویژگی، آن هم در دلدادگی و عشق نسبت به ولی زمان خودشان اشتراک دارند.

اکنون به شرح حال یکی از این یاران می‌پردازیم:

نامش چون بود. ابتدا غلام ابوذر غفاری بود. بعد از شهادت ابوذر به خدمت امام حسن مجتبی علیه‌السلام درآمد و پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام در محضر امام حسین علیه‌السلام خدمتگزاری می‌کرد و همه جا همراه امام بود. در روز عاشورا وقتی لشکر یزیدیان در مقابل امام حسین علیه‌السلام صف کشیدند و غریبی امام خود را دید، از امام خود اذن میدان خواست. امام حسین علیه‌السلام نگاهی به او کرد و گفت: «ای جون! من بی‌عتم را از تو برداشتم، تو به امید عافیت و آسایش تا اینجا همراه ما آمده‌ای، در راه ما خود را به ناراحتی و مصیبت مبتلا مکن.» وقتی چون دید که امام حسین علیه‌السلام اجازه نمی‌دهد بغض گلویش را گرفت و با صدایی لرزان گفت: «آقا جان! من در راحتی باشم و در سختی شما را تنها بگذارم؟! به خدا سوگند اگر چه بدن من بوی خوشی ندارد و نژادی رفیع ندارم و و رویم سیاه است ولی امام بزرگوار و کریمی مانند شما بوی مرا خوش و روی مرا سفید می‌کند و مرا بهشتی می‌کند. به خدا سوگند از شما جدا نمی‌شوم تا خون سیاه من با خون شریف شما آمیخته شود.» امام حسین علیه‌السلام، وقتی التماس و بغض چون را دید، بالاخره به او اذن میدان داد. چون به

میدان رفت و شجاعانه جنگید و بیست و پنج نفر از افراد لشکر عمرین سعد را به درک واصل کرد تا اینکه خودش به شهادت رسید. او بر زمین افتاد. امیدی نداشت که امام حسین علیه‌السلام بر بالین او حاضر شود. بر خلاف تصور او امام حسین علیه‌السلام بالای سرش آمد و صورت بر صورت چون گذاشت و دستانش را رو به آسمان گرفت و فرمود: «خدایا روی او را سپید و بوی او را خوش و او را با نیکان محشور کن.»

آری عاشق بودند. عاشق ولی زمان خودشان و راه و رسم او بودند. عاشق بودند که توانستند چنین نهضت باشکوهی را در تاریخ رقم بزنند که با گذشت هزاران سال از این واقعه نه تنها شیعیان بلکه سایر مذاهب اعم از مسیحیان، اهل سنت و حتی افراد بی‌دین مبهوت این همه عشق در واقعه کربلا هستند و هر ساله در ماه محرم به یاد امام حسین علیه‌السلام و یاران با وفای او واهداف این قیام اشک حسرت می‌ریزند. در قافله حسینی اهمیتی ندارد که چه مقام و پست دنیوی دارید. کافیست فقط عاشق امام خود باشید. آن وقت هست که حتی اگر غلام و برده هم باشید می‌توانید در برپایی نهضتی عظیم در تاریخ سهیم باشید. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که واقعا راز ماندگاری این قیام در تاریخ چه بود؟

یکی از عوامل مؤثر در ماندگاری واقعه عاشورا در تاریخ، جهاد تبیین و روشنگری حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و امام سجاد علیه‌السلام و بازماندگان واقعه کربلا بود. در واقع کربلا دو محور عملیاتی داشت یک محور در بعد نظامی و یک محور در بعد فرهنگی. در روز عاشورا یاران امام حسین علیه‌السلام به دو گروه تقسیم شدند یک گروه در بعد نظامی فعالیت کردند و رشادت‌ها آفریدند و گروه دیگر در بعد فرهنگی به جهاد پرداختند. به طوری که اگر روشنگری حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نبود قطعاً کربلا در کربلا می‌ماند و کربلا هم مانند جهاد تبیین به قدری اهمیت دارد که

مکرراً رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای حفظه‌الله، در طی دیدارهای خود با اقشار مختلف جامعه به فریضه مهم جهاد تبیین و روشنگری برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی از خطر تحریف تاکید می‌کنند. رهبری معظم در انتهای یکی از سخنان خود در دعایی از خداوند خواستند: «که ما را از سربازان جهاد عظیم این روزگار که جهاد تبیین است، قرار دهد» و همچنین فرمودند: «جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است» و طی سخنان دیگر درباره جهاد تبیین حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «خون مطهر حسین بن علی علیه‌السلام در کربلا در غربت بر زمین فرو ریخته اما بزرگ‌ترین مسئولیتی که بر عهده امام سجاد علیه‌السلام قرار گرفت، از همان لحظه اول این بود که این پیام را به سرتاسر دنیای اسلام منتقل کند. این حرکت برای احیای دین حقیقی و آن هدفی که امام حسین علیه‌السلام برای آن شهید شد، امری ضروری و لازم بود.»

این طور می‌توان از واقعه کربلا درس گرفت که اگر چه ما در بعد نظامی توانستیم دشمنان انقلاب اسلامی ایران را به زانو در بیاوریم اما اگر در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان و جنگ رسانه‌ای آنها به جهاد تبیین به صورت مستمر و با استراتژی صحیح وبا به کارگیری ابزارهای ارتباطی مدرن در همه قشرهای مختلف جامعه نپردازیم، نمی‌توانیم پیام انقلاب اسلامی ایران را به جهانیان و آیندگان منتقل کنیم و انقلاب اسلامی به تدریج به فراموشی سپرده خواهد شد و حتی امکان دارد با تهاجم فرهنگی دشمنان، انقلاب اسلامی ایران انقلابی باطل و ناکارآمد تلقی شود. در نتیجه تلاش و فداکاری علما و خون هزاران شهیدی که در این راه داده‌ایم، به ثمر نمی‌نشیند و از همه مهم‌تر این است که زمینه برپایی حکومت عدل جهانی توسط امام زمان (عج) فراهم نمی‌شود و ممکن است کربلایی دیگر نیز در تاریخ تکرار شود.

کودتای داغ

مروری بر وقایع اتفاقیه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هجری شمسی

● زهرا سعیدی_ کارشناسی تاریخ



در زمانی که شورش‌گران و کودتاچی‌ها به خیابان ریختند، هدف مخالفان مصدق عملی شد و او به بهانه نقض قانون اساسی مشروطه از نخست وزیری برکنار شد. طرفداران پهلوی دولت‌های خارجی را در این اتفاق دخیل نمی‌دانند و این کودتا را "قیام رستاخیز ملی" نام‌گذاری کردند.

با وقوع کودتا مقاومت در ایران از بین رفت و برخی شخصیت‌ها و روحانیون و اساتید تشکلی به نام "نهضت مقاومت ملی" تشکیل دادند. پیروزی کودتای ۲۸ مرداد در ایران، نمادی از افول جریانات چپ و ملی در ایران بود. بعد از کودتا سرلشکر زاهدی که رهبری این کودتا برعهده او بود، طبق قرار قبلی نخست وزیر محمدرضا پهلوی شد. بدین صورت فصلی نو در زندگی مردم ایران به وقوع پیوست که باعث ۲۵ سال سلطه مستقیم آمریکا بر ایران و هزاران کشته و زندانی و مجروح شد. علاوه بر این از بین رفتن استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و حاکم شدن فضای خفقان بر کشور از دیگر پیامدهای این کودتا برای ایران و ایرانیان بود.

از پیش‌زمینه‌های دیگری که انجام این کودتا را میسر می‌کرد، "عملیات آژاکس" به دست آمریکا بود که باعث شد ایران دچار موجی از بی‌نظمی و آشفتگی شود و راه سرنگونی مصدق و دولت او هموارتر شود. برای جلب رضایت محمدرضا پهلوی نسبت به امضای نامه‌ی عزل مصدق، اشرف پهلوی و ژنرال هربرت شوارتسکف که از قدرتمندترین چهره‌های آمریکایی بود وارد عمل شدند. رزولت، رییس شعبه خاورمیانه سیا و فرمانده کودتای ۲۸ مرداد نیز یک ماه پیش از این کودتا برای رضایت گرفتن از محمدرضا برای عزل مصدق و نخست وزیری زاهدی وارد تهران شد و دستور این عزل و نصب را از شاه گرفت.

این کودتا در حالی اتفاق افتاد که برخی دیگر از حامیان ملی شدن صنعت نفت که شامل رهبران و اعضای جنبش فداییان خلق بودند، در زندان به سر می‌بردند و نمی‌توانستند برای این شرایط کاری بکنند. این کودتا قرار بود در تاریخ ۲۵ مرداد اتفاق بیافتد اما به دلیل دخالت‌های هواداران مصدق خنثی شد. سه روز بعد، با وقوع کودتا در ۲۸ مرداد،

حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله حوادث مهم در تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌رود و حتی در آینده حاکمیت نیز تأثیرگذار بوده است. به وقوع پیوستن این اتفاق منجر شد تا ملی شدن صنعت نفت ایران با شکست مواجه شود. به همین جهت، آن روزها ایران دوران سرنوشت‌سازی را پشت سر می‌گذاشت. آمریکا و انگلستان که ملی شدن صنعت نفت ایران را به ضرر خود می‌دیدند، این کودتا را طراحی و اجرا کردند تا بر صنعت نفت کشور تسلط کامل پیدا کنند. در واقع ملی شدن صنعت نفت ایران باعث شد تا آمریکا مانند یک میانجی‌گر و سپس مثل به عنصر فعال برای چیرگی بر منابع نفت ایران با همراهی انگلستان یک کودتا در ایران طراحی و اجرا کنند. این دو کشور که به اوضاع مردم ایران و شرایط حکومت واقف بودند، به تفرقه‌افکنی میان مردم و مسئولان پرداخته و به سنگ‌اندازی در امور صادرات نفت دست زدند. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتا به رهبری سرلشکر فضل‌الله زاهدی و همراهی‌های محمدرضا پهلوی و بخشی از ارتش شاهنشاهی و حمایت‌های مخالفان دیگر مصدق به وقوع پیوست. سازمان سیا آمریکا نیز برای بیشتر شوراندن مخالفان مصدق علیه او مقداری از پول‌های سیا به آنان داد.



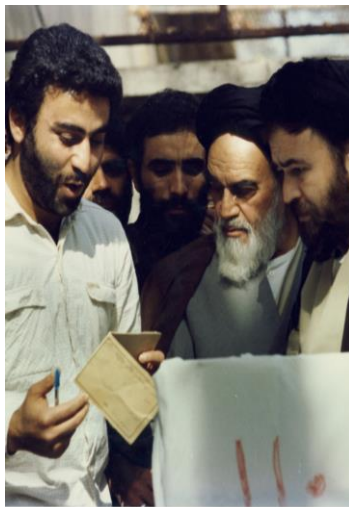
نه چپی و نه راستی! پیش به سوی مردم‌سالاری!

جستاری بر حضور میدانی مسئولان و ارتباط آن با مردم‌سالاری

● هدیه گیاه تازه_ کارشناسی آمار و کاربردها

را نیز محق نمی‌دانند و حداقل اسباب آسایش هم انگیزه آنها را حفظ می‌کند اما بدنه حاکمیت، خود را جدا از مردم می‌پندارد و دنبال یک نسخه عجیب و غریب برای توسعه کشور است؛ یعنی با مضایقه حداقل هم کشور را از مزیت بزرگی محروم می‌کند و هم جوانان توانمند را ناامید.

برای مردمی که خود را در برابر حاکمیت و دیگر هم‌وطنان خود مسئول می‌دانند، کنار یکدیگر بودن یک ارزش اخلاقی محسوب می‌شود؛ یعنی مثلا ممکن است در یک کشور توسعه یافته مثل آمریکا آنقدری برای مردم حضور مسئولین در هنگامه سیل دلگرم کننده نباشد که برای مردم ایران این حضور کشور نشانه همبستگی قلمداد می‌شود و نبودش آنها را ناامید می‌کند. هرچند که نبودش ناامیدکننده است اما نبودن آن خیلی بهتر از رویکرد نمایشی است. مردم سره را از ناسره تشخیص می‌دهند، همان‌گونه که در گذشته فرق مسئول واقعی که خود را مسئول می‌داند با غیر آن را درک می‌کردند. هنوز هم دیر نیست برای آنکه تفکر حکمرانی را تغییر دهیم و بر پایه شعور و تفکر مردم مبنی بر مردم‌سالاری دینی حرکت کنیم. برای تغییر هیچ وقت دیر نیست، اگر اراده‌ای وجود داشته باشد.



می‌شود. این علاقه و این‌گونه رفتار در نوع خود در بدنه هر مردمی که وجود داشته باشد، بسیار می‌تواند کمک کننده باشد. چه نیرویی قوی‌تر از توده مردم؟ پس در چنین وضعی دولت ایران امتیاز بسیار قابل توجهی نسبت به دولت‌های دیگر دارد. دست بر قضا این رابطه اگر دوطرفه شکل بگیرد یعنی اگر مردم با همین روحیه در بحران‌ها از هر دست به دولت کمک کنند و متقابلا دولت نیز سعی در تعریف ساز و کارهای مناسب برای استفاده از این قدرت و همبستگی داشته باشد، مشکلات با یک مدل جدید حکمرانی مرتفع خواهد شد.

خود مردم دقیقا می‌دانند که چگونه باید اقتصاد و فرهنگ و این موارد را اداره کنند. حتی اگر خود مردم هم دقیقا راه را ندانند، نخبگان جامعه پرچم‌دار این حرکت می‌شوند. ذات توانمند بودن دقیقا همین است. وقتی افراد آگاهی در جامعه وجود داشته باشند، همین درک عمیق‌تر موقعیت‌ها آنها را وادار می‌کند به کمک جامعه بپردازند. البته همه قرار نیست مدیر و رهبر و رئیس باشند. اما بدنه حاکمیت نیز نباید کمترین کار را هم برای انسان‌های توانمند که برگ برنده خودش است انجام ندهد. کم نیستند کسانی که توانایی زیادی دارند و توانایی آنها برای کشور نیز راهگشا است و خود

سؤال بزرگ و البته بی‌جوابی وجود دارد و آن هم این است که مدل توسعه‌های حکمرانی ایران دقیقا به چه شکل است؟ یعنی مدل موفق نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی دقیقا چیست؟ مدلی که نه مارکسیستی باشد و نه حالت لیبرالیسم و سرمایه‌داری در آن موج بزند؟ هر مدل حکمرانی دو شرط برای انجام دارد: اول آنکه باید با روحیه مردم یک کشور سازگار باشد؛ دوم هم آنکه به مرور رفتار مردم را عوض کند.

نکته مهم دیگری که این مدل حکمرانی باید داشته باشد، عمق و سطح اسلامی آن است. چگونه یک کشور با آرمان ساخت یک جامعه متعالی اسلامی می‌تواند به مواردی همچون مردم‌سالاری دینی بی‌تفاوت باشد؟

اتفاقا علاقه مردم به این نوع حکمرانی با توجه به روحیه آنها کم هم نیست. روحیه‌ای که نتیجه سال‌ها فداکاری برای استقلال و آبادانی است. مثلا یکی از خلیقات جالب مردم این گریه کج روی نقشه جهان میزان نوع دوستی آنها به یکدیگر است؛ یعنی برای کمک به یکدیگر در سیل و زلزله و از این قبیل موارد، حاکمیت هیچ‌گونه اصراری نمی‌کند بلکه مردم خود بدون چشم داشت در صحنه کمک حاضر می‌شوند و این به صورت کلی یک ارزش بالا ترقی



تسکین قیمت مسکن

● زهرا جعفری - کارشناسی مهندسی مکانیک



برای بررسی دقیق‌تر اوضاع نابسامان مسکن در یک سال اخیر، باید یک نگاه کلی و گذرا به وضعیت مسکن در دولت آقای روحانی داشته باشیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت آقای روحانی در بین دولت‌های قبلی رکورد دار کاهش تولید و عرضه مسکن بوده است. آقای روحانی و آقای عباس آخوندی وزیر راه بارها علیه طرح مسکن مهر صحبت کردند و آن طرح را عامل تورم در کشور معرفی کردند. در ادامه عملکرد آنها را بر اساس آمار وزارت راه و شهرسازی می‌بینیم که در سال ۹۹ تعداد کل واحدهای مسکونی تکمیل شده شهری نسبت به سال ۹۲ در دولت دهم تقریباً به نصف رسید. عاقبت کوتاهی دولت روحانی در بخش مسکن، افزایش شدید قیمت آن بوده است. به گزارش مشرق در تیرماه سال ۹۲ قیمت هر متر مربع آپارتمان در تهران به طور متوسط سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بود اما در پایان دولت روحانی به بیش از ۳۰ میلیون تومان رسید. یعنی در دولت آقای روحانی قیمت مسکن بیش از ۷۰۰ درصد افزایش یافت.

در چنین شرایطی وقتی آقای رئیسی کاندید شدند، یکی از وعده‌های انتخاباتی خود را سامان دادن به این وضع بحرانی معرفی کردند و طرح ساخت ۴ میلیون مسکن در ۴ سال را اعلام کردند. البته ایشان وعده کمک به دهک‌های پایین جامعه در حوزه مسکن و ارائه تسهیلات به انبوه‌سازان و مسکن‌سازان را نیز بیان کردند. در هفدهم مرداد سال ۱۴۰۰ قانون جهش تولید مسکن با هدف ساخت یک میلیون مسکن در سال، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. در

مرتبط با ساخت و ساز قراردادهایی نیز برای کمک به ساخت مسکن بسته شد. رئیس بنیاد مستضعفان می‌گوید: «از بین سه قرارداد منعقد شده با وزیر راه و شهرسازی اهدای ۹۰۰ هکتار زمین به طور رایگان در سراسر کشور به طرح نهضت ملی مسکن مهم‌ترین قرارداد ما بوده است.»

در ادامه گزارشات مسئولین محترم اولین اقدام عملی دولت برای ساخت انبوه مسکن ثبت نام بیش از ۲ میلیون متقاضی از طریق سامانه بود.

باید این امر مهم را متذکر شد؛ در ادامه تمام وعده‌هایی که مسئولین راجع به طرح ملی مسکن داده بودند، مردم اطلاعاتی راجع به پیشروی این طرح در دست ندارند.

در همین یک سالی که گذشت، با وجود تمام طرح‌هایی که داده شد اما متأسفانه باز شاهد افزایش رشد نرخ قیمت فروش و اجاره مسکن هستیم. امید است مسئولین وعده‌هایی را که در انتخابات مطرح کردند با جدیت بیشتری دنبال کنند و امید مردم را در رابطه با کاهش قیمت مسکن ناامید نکنند.

قانون جهش تولید مسکن چند رکن مهم وجود دارد.

رکن اول تامین منابع مالی: رئیس بانک مرکزی در این باره می‌گوید: «بانک‌ها باید ۲۰ درصد تسهیلات خود را به حوزه مسکن تخصیص دهند. سهمیه ۲۷ بانک به تفکیک مشخص شده است که سهم بانک مسکن بیشتر از سایر بانک‌ها است. برای پرداخت یارانه و کمک به کسانی که در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند، صندوق ملی مسکن نیز تشکیل شد.»

رکن دوم تامین اراضی: کمبود زمین مشکلی است که در اغلب شهرها برای ساخت و سازهای جدید وجود دارد. در این زمینه، وزیر راه و شهرسازی در دومین جلسه شورای عالی مسکن گفته بود: «زمین برای ساخت ۲ میلیون و ۴۰۰ واحد مسکن مهیا شده است.» وی افزود: «قرار است در فاز اول ساخت ۲ میلیون واحد مسکونی شروع شود. براساس قانون جهش تولید خدمات ساختمانی از جمله انشعاب آب و برق و گاز در نظر گرفته شده است.» در دومین جلسه شورای عالی مسکن با حضور رئیس جمهور و چند وزیر و دستگاه

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیرمسئول: هدیه گیاه تازه

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم‌نیا، هدیه گیاه‌تازه، ندا دشت بزرگی، فاطمه زمانی، معصومه عباس قربانی، راضیه جلالی، زهرا سعیدی، زهرا جعفری

صفحه آرا: زهرا عظیمی

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۹۶۱۱ / ۰۲۱۹۹۰۴۹۰۳۶